

«منوچهر شبیری راد»

منتقد و پژوهشگر ادبی

## نمایشی هیجان آور از شادابی زبان فارسی

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دلفروز خوش است از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست خوش باش و ز دی مگو، که امروز خوش است اگر در آن سال‌های نه‌چندان دور آن اتفاق خوب نمی‌افتاد، «کشف حقیقت نوروز» کار ساده‌ای نبود. در این زمان، کاشف ما (به فرض خوش‌بینانه وجود) ناگزیر بود شال و کلاه کند و با «دل به دریای ارز شناور زدن»، بادیان بکشد و طاقت بسوزاند تا در ساحل کتابخانه برلین لنگر بیندازد و در آنجا شال و کلاهش را با عصا و کفش آهنین عوض کند و جست‌وجوش را تازه بیاغازد. اما خوش‌بختانه وقتی در سال ۱۳۰۷ شمسی مجموعه‌ای از جزوه‌ها و رساله‌های فارسی از پاریس به کتابخانه عمومی برلین منتقل می‌شد مردی فرزانه و دلباخته زبان فارسی به نام میرزا محمدخان قزوینی آنجا حضور داشت که از لایه‌لای آن میراث در باد، کتابی را یافت و از آن عکس تهیه کرد و در ابتدای آن نوشت: «نوروزنامه، تالیف ملک الحکما، عمر بن ابراهیم خیام در شرح نوروز و تاریخ آن و آداب، نسخه منحصر به فرد کتابخانه دولتی برلین...» و این گونه بود که عکس آن میراث به دست صاحبانش رسید و چندسال بعد به کوشش مجتبی مینوی وجود منحصر خطی آن به حضور منتشر چاپی تبدیل شد و بازار نشر را به زیور خود آراست. کتاب «نوروزنامه خیام» به برکت آن اتفاق خوب اکنون در تصحیح‌ها و چاپ‌های گوناگون در دسترس نوشندگان سرچشمه‌های ژلال فرهنگ ماست. این اثر هرچند به تکرر کالبدی درآمده، اما در روح و معنا هنوز منحصر به فرد است و عطری سرشار از یاد خوش اسطوره‌های باستان این سرزمین را در مشام جان می‌نشاند. شاید در نگاه نخست برای کسانی که هیچ‌گونه تجربه‌ای از تنوع و گونه‌گونه‌های موسیقی زبان فارسی جز گویش و نحو همین روزگار ندارند، زبان نوروزنامه غریب و سخت به نظر بیاید، اما قدیمی بودن آن نباید باعث ترس از خواندنش شود، چراکه زبان و نثر آن نه تنها دشوار نیست، بلکه نمایشی هیجان‌آور از سرزندگی و شادابی زبان فارسی در نخستین دوره‌های بلوغ و شکوفایی خود است.

نوروزنامه / نگارش: عمر خیام / به سعی و تصحیح: مجتبی مینوی / کتابخانه کاوه / چاپ اول ۱۳۱۲ (نسخه قابل دانلود)  
نوروزنامه / نویسنده: عمر بن ابراهیم خیام / نیشابوری / به کوشش علی حصوری / نشر چشمه / چاپ اول ۱۳۷۹ (نسخه قابل خرید)



معرفی کتاب»

## کتاب اقتصاد سیاسی اشتغال زنان ایران منتشر شد

کتاب اقتصاد سیاسی اشتغال زنان ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۷ از سوی انتشارات شیرازه کتاب ما منتشر شده است. رکسانا بهرامی‌تاش و هادی صالحی اصفهانی، مولفان و مهشید کریمایی، مترجم این کتاب هستند. اشتغال مهم‌ترین و غنی‌ترین شیوه حضور در فضای عمومی و مشارکت در انواع تعاملاتی است که این حضور ایجاد می‌کند. اشتغال نه فقط منبعی برای کسب درآمد است که میانجی دایره‌فرد از خود و سنجش محیط پیرامون‌اش نیز به شمار می‌رود. اشتغال، موجب خروج فرد از فضای خصوصی و خانوادگی است و قدم گذاشتن در فضاهایی که هم می‌تواند افق منفعتی و مثبتی بی‌شماری را بر وی بگشاید. مقالات کتاب حاضر تلاش کرده‌اند لایه‌های گوناگون اشتغال را در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ در ایران مورد توجه قرار دهند.

## بیمه بیکاری در نظام رفاهی ایران

کتاب «فرایند تحولات بیمه بیکاری در نظام رفاهی ایران»، تحولات بیمه بیکاری در جهان و ایران را مورد بحث قرار داده و اسناد و قوانین و روش‌های مختلف اجرای این حمایت را ارائه کرده است. کیوان مرتضوی، تلاش کرده در پنج فصل، ضمن پرداختن به مباحث بیکاری و بیمه آن، الگوهای رایج در نظام رفاه و برخورد این الگوها با معضل بیکاری، به ویژگی مدیریت در طرح‌های بیمه بیکاری، چگونگی تأمین مالی و دامنه مقررات منظور شده در انواع طرح‌ها و ... اشاره‌ای داشته باشد. کتاب «فرایند تحولات بیمه بیکاری در نظام رفاهی ایران» توسط انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به چاپ رسیده است.

## ۱۴ | کتبی نو



کتابگردی

برای سفرهای طولانی نوروزی، می‌توانید مطالعه را به شیوه‌ای متفاوت در پیش بگیرید

## چرا کتاب الکترونیک؟

تلفن‌های همراه هوشمند این روزها در دست همه‌مان هست و تقریباً هر جا که برویم با ماست. کافی است یکی از نرم‌افزارهای کتاب‌خوان را روی موبایل‌تان نصب کنید و به منبع بسیاری از کتب برای خرید قانونی دسترسی داشته باشید و هر جا که هوس کتاب خواندن کردید، موبایل یا تبلتان را در دستانتان بگیرید و کتاب بخوانید. خوبی این اپلیکیشن‌ها آن است که فروش کتاب در آن‌ها کاملاً با رعایت حقوق ناشر انجام می‌شود. چند سالی است که این اپلیکیشن‌ها در ایران به شکل قابل‌قبولی مشتری‌های خودشان را پیدا کرده‌اند و از شناخته‌شده‌ترین‌هایشان می‌توانیم به «فیدیسو» و «طاقچه» اشاره کنیم. در این نرم‌افزارها می‌توانید کتاب موردنظرتان را بیابید و پس از خرید به‌طور دائم به آن دسترسی داشته باشید. این نرم‌افزارها امکاناتی نیز برای خواننده

فراهم می‌کنند. می‌توان فونت متن را از بین چند فونت انتخاب کرد، بخشی از متن را های‌لایت و صفحات موردنظر را نشانه‌گذاری کرد. قابلیت سینک‌شدن امکان خوب دیگری است که به شما اجازه می‌دهد حساب کاربری‌تان را هم‌زمان روی چند دستگاه داشته باشید و اگر در حال خواندن کتابی در موبایلتان هستید، بتوانید در دستگاه دیگری مثلاً تبلت یا کامپیوتر (نسخه تحت وب) به ادامه خواندن همان کتاب بپردازید. مزیت دیگر استفاده از این نرم‌افزارها، قیمت پایین‌تر نسخه‌های الکترونیکی است که حدوداً ۳۰ تا ۴۰ درصد نسخه‌های چاپی است. طبیعتاً امکان کپی‌کردن متن کتاب‌ها وجود ندارد و فقط از طریق همان نرم‌افزار قادر به بازکردن فایل کتاب خواهید بود. البته مثلاً در «طاقچه» این امکان وجود دارد که بخشی از کتاب را به اشتراک بگذارید و نظر

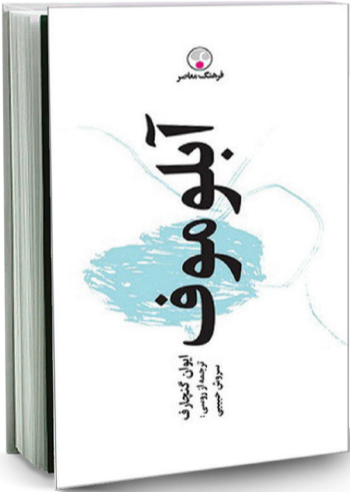


یکشنبه ● ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و چهار

A T I V E H N O

آبلوموف / ایوان گنجاروف / سروش حبیبی / انتشارات فرهنگ معاصر

## آبلوموف خوانی در بهار!



به ادبیات روس باز کرده است و اگر به اطراف خود بنگریم بی‌شمار زنان و مردانی می‌بینیم که درگیر نوعی تکرار تکراری در روزمرگی‌هایشان هستند بدون یافتن راهی برای خروج. این، آشنای امروز نویر بشر است. اما در بین همه این رخوت، نویسنده به سبکی شیرین لحظات طنز می‌آفریند که یادآور شادی و غم در کنار هم است. شاید در یک تعریف خطی رمان را بی‌روح و کسل‌کننده بباییم، اما با شروع، به سختی می‌توان آن را زمین گذاشت. آبلوموف در ۹۱۲ صفحه رمان قطوری است که نخستین بار توسط سروش حبیبی در سال ۶۳ به‌طور مستقیم از زبان روسی ترجمه شده است. انتشارات «امیرکبیر» و نشر «معاصر» از انتشاراتی هستند که آبلوموف را چاپ کرده‌اند. خوب است که با رویش دوباره بهار و فراغت از کار، یکوشیم که به آبلوموفیسم مبتلا نگردیم که بهار سرآغاز بودن است و خواندن این رمان عجیب‌طور ما را از رخوت یکجانشینی می‌رهاند.

«آبلوموف با خشمی که نمی‌توانست پنهان کند، گفت: «دیگر کاری نباید بکنم؟» پزشک به فکر فرو رفت: «هوای دریا بی‌فایده نیست، از زندگی لذت ببرید و بختندید، اگر به توصیه‌های من عمل کنید...» حتماً این کارها را خواهیم کرد. پزشک رفت و آبلوموف را در حالتی سخت رفت‌انگیز تنها گذاشت. آبلوموف چشم‌ها را بست، دیگر به هیچ چیز نگاه نکرد و هیچ حسی هم نداشت.» شخصیت اصلی این رمان دچار نوعی رخوت است که هم‌زمان از ضعف‌نفس و بی‌ارادگی رنج می‌برد، اما راه‌گریزی هم بر نمی‌گزیند، حتی عشق، او را به شروع دوباره مجبور نمی‌کند و مدام از نوعی سستی به نوع دیگر متمایل می‌شود و در حالی که دوستان بسیاری دارد، تنها یک خدمتکار پیر با او برای انجام کارهای شخصی‌اش همراه است. شاید آبلوموف نمونه باز و مشخصی باشد که تن به آبلوموفیسم می‌دهد تا پایان. آبلوموفیسم واژه‌ای است که بعد از انتشار این کتاب راه

گزارش کتاب»  
سارا حسینی‌نیا»

فرصت فراغت نوروز، برای علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی بسیار غنیمت است، حال آنکه طولانی شدن تعطیلات نوعی کاهلی در انسان می‌پروراند و شاید زمینه پنهان آبلوموفیسم همه ما را بیدار کند.  
«ایوان الکساندروف گنجاروف» متولد ژوئن ۱۸۲۱ میلادی در سبیری است. نویسنده‌ای روس که به اعتقاد منتقدان، مشهورترین رمانش «آبلوموف» را به شیوه‌ای روان و همه‌فهم رقم زده است. او دانش آموخته زبان‌های خارجی و ادبیات در دانشگاه مسکو است و آبلوموف را با نگاهی برآمده از واقعیت حاکم بر آن زمان جامعه روس نوشته است. از دیگر آثار گنجاروف می‌توان به داستان همیشگی، پرتگاه و ناوگان دریایی اشاره کرد.

گفت‌وگوی نوروزی بارضا امیرخانی، برنده جایزه ادبی جلال آل احمد در سال ۹۷

## اقلیم فرهنگی نوروز، فراتر از جغرافیای فارسی‌زبانان است

که مراسم باستانی نوروز را دارند، حتی از حوزه زبان فارسی هم بزرگ‌تر است. از شرق ترکیه تا آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و قسمت‌هایی از غرب چین، کشورها و مناطقی هستند که نوروز را گرامی می‌دارند. به این معنا اقلیم فرهنگی نوروز حتی از حوزه فارسی‌زبانان هم حوزه گسترده‌تر و مهم‌تری است.



■ در ایام نوروز، مردم اوقات فراغت بیشتری دارند و یکی از پیشنهادها برای این ایام، خواندن کتاب است، شما در کتاب «سرلوحه‌ها» فهرستی صدتایی از کتاب‌های موردعلاقه‌تان را معرفی کرده‌اید، آیا کتاب جدیدی به این فهرست اضافه می‌کنید؟  
دوتا کتاب معرفی می‌کنم: «گاه‌ناچیزی مرگ» اثر محمدحسین علوان از انتشارات «مولی» و «هنایی» از انتشارات «نیستان»

■ شما کتاب «جانستان کابلستان» که روایتگر زندگی جاری در افغانستان است را در کارنامه خود دارید، با توجه به سفرهایی که داشتید، می‌خواستم بدانم که درباره نوروز نکات قابل توجهی در کشورهای همسایه وجود دارد؟  
نکته بسیار مهمی که باید بگویم این است که حوزه کشورهای

ایران را به دوش می‌کشد، از سال ۱۳۸۷ به برگزیدگانش اهدا می‌شود و یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جوایز ادبی ایران است. امیرخانی قسمت‌مادی جایزه که معادل صد میلیون تومان بود را به موسسه پژوهشی «دانایار» تقدیم کرده است. امیرخانی، نویسنده‌ای است که در پاسخ به سوال اینکه بهترین اثرش کدام است معتقد است، بهترین اثر، حتماً همانی است که هنوز ننوشته است. اگر نویسنده‌ای به این نتیجه برسد که در میان کارهای نوشته‌شده‌اش، بهترین کارش وجود داشته باشد به نظر می‌آید بازنشسته شده و بلاهت است که آدم در حین بازنشستگی کار کند.» در ادامه گفت‌وگوی کوتاه با نویسنده خوش‌نویس گاه اجتماعی، گاه عاشقانه و گاه انتقادی را بخوانید.

■ وقتی خبر سرانجام جایزه ادبی جلال آل احمد را خواندم، بسیار شگفت‌زده شدم که چرا چنین مبلغی را اهدا کردید و چرا موسسه پژوهشی «دانایار» را انتخاب کردید؟

همت موسسه پژوهشی «دانایار» توانمندسازی آموزگار، آموزش و پرورش است. این موسسه به‌عنوان نقطه آغاز شروع کار خود، منطقه سیستان و بلوچستان را انتخاب کرده است. دانایار به کمک جمعی از فارغ‌التحصیلان سازمان ملی استعدادهای